

DAD-LAW

www.dad-law.blogfa.com

www.dad-law.ir



وبلاگ تخصصی حقوق ایران

برنبرین مقالات و دانلود جزوات حقوقی و مجموعه قوانین

email : dad_law_blogfa@yahoo.com

gmail : dad.law.blogfa@yahoo.com

WWW.DAD-LAW.BLOGFA.COM

WWW.DAD-LAW.IR

وبلاگ تخصصی حقوق ایران



ادله وقایع مشابه و ادله پیش زمینه در حقوق کیفری ایران و انگلیس

علیرضا قرجه‌لو*

استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۵/۱۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۶/۴)

چکیده:

اثبات در امور کیفری با دو عنوان ادله و امارات کیفری مرتبط است. امارات کیفری چه در حقوق ایران و چه در حقوق اروپایی، به حکمی و موضوعی قابل تقسیم هستند. در امارات موضوعی موارد متعدد امارات که به استنباط قاضی وابسته می‌باشد، وجود دارد. از جمله آن‌ها ادله وقایع مشابه و ادله پیش زمینه است که در رویه قضایی ایران به آن اشاره شده و در دکتترین حقوقی نیز به عنوان اماره موضوعی قابل بحث می‌باشند. در این مقاله سعی شده تا مفهوم این دو اماره، تفاوت و ارزش اثباتی مطرح در آن‌ها، با توجه به قوانین داخلی و تحلیل دکتترین حقوقی مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی:

اماره - ادله‌ی وقایع مشابه - ادله‌ی پیش زمینه - حقوق ایران - حقوق انگلیس.

مقدمه

مقام قضایی در برخورد با موضوعات مطرح در دادرسی، اعم از کیفری و مدنی، قضاوت خود را بر یک پایه می‌تواند به نتیجه برساند و آن ادله کیفری می‌باشد. سنجش آن‌ها از طرف قاضی صورت می‌گیرد هرچند قانون گاه با تعاریف خود حتی ناکامل میزان ارزش هر یک از روش‌های اثبات (امارات و دلایل) را معین کرده است.

آنچه در عالم ثبوت تحقق می‌یابد، لزوماً دارای آثار و نشانه‌هایی است که بخصوص در پرونده‌های کیفری این آثار می‌توانند در مرحله اثبات مورد توجه واقع شوند. قتلی که واقع می‌شود و یا سرقتی که رخ می‌دهد از خود آثاری به جای می‌گذارد که در صورت فراهم بودن تکنولوژی و امکانات لازم، هم مظنونینش قابل تعقیب و هم اتهام ایشان قابل اثبات است. پس همان‌گونه که شاهد به عنوان دلیل از ویژگی اثبات‌گری خاص در محاکم برخوردار می‌باشد؛ نبودن شاهد در صحنه جرم به معنی متوقف شدن اثبات نیست؛ زیرا همین خصیصه یعنی اثبات می‌تواند توسط امارات کیفری من جمله ادله وقایع مشابه و ادله پیش زمینه^۱ نیز حاصل شود. این ادله به جزییاتی می‌پردازند که شاید در برخی موارد کار دستگاه قضایی را سخت‌تر می‌کنند، ولی این نکته را نیز یادآور می‌شوند که با فقدان ادله اثبات دعوی در معنای خاص شهادت، اقرار و علم قاضی، دعوی غیرقابل پی‌گیری تلقی نخواهد شد. در واقع، اهمیت این تحقیق عنوان کردن ویژگی غالب دعاوی کیفری یعنی همراهی با قراین می‌باشد. تنها اندکی از پرونده‌های کیفری با دلیل همراه هستند و سایر آن‌ها با حضور قراین به نتیجه می‌رسند. از طرفی جلوگیری از اطاله‌ی دادرسی، لزوم استفاده از قراین را دو چندان می‌کند؛ زیرا در غیر این صورت در بسیاری از پرونده‌ها انتظار پیدا شدن دلیل یک انتظار بیهوده است.

بخش اول. مفاهیم، سیستم‌های اثبات و ارزش یا بار اثبات

در این قسمت کلیاتی از ادله اثبات دعوی و مفاهیم مرتبط با آن ذکر می‌شود. مطالب مشتمل بر عناوینی هستند که تا حد زیادی، زیر بنای بحث اصلی مقاله را تشریح کرده و در ابهام زدایی از آنچه ممکن است در مورد تفاوت اماره و دلیل، اقناع و ظن و سایر موضوعات پیش آید، کمک کنند.

۱. این عنوان (ادله‌ی وقایع مشابه و ادله‌ی پیش زمینه) علی‌رغم استفاده از لفظ «دلیل» در آن‌ها؛ به لحاظ اثر و محتوی در حقوق کشور انگلیس، همچنان که بعداً نیز تشریح خواهد شد با اماره همسانی دارند و ظن آوری در آن‌ها قابل طرح است.

۱. مفاهیم

مفاهیم مورد نظر در این مقاله در دو عنوان اصلی «دلیل» و «اماره» خلاصه می‌شوند. این عناوین در حقوق داخلی از طرف فقها و حقوقدانان و در حقوق انگلیس نیز در نزد دکتربین و قضات دادگاه‌ها با توجه به رویه‌ای بودن سیستم، مورد توجه بوده‌اند و در عین بعضی اختلافات در درک مفاهیم، در مجموع وحدت نظری خاص در بسیاری از جهات بین آنان در تشریح دلیل و اماره می‌باشد.

در یک معنا، دلیل به عنوان اثبات‌کننده‌ی موضوعات عنوان می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۳۰۹). البته فرقی نسبت به امر وجودی یا عدمی در اثبات نیست. حالت اخیر مانند زمانی است که فردی شهادت به عدم حضور فردی در مکانی را بدهد.^۱ در اصول فقه عنوان شده که «دلیل چیزی است که امور مجهول را واضح و روشن می‌کند و برای کشف واقع و پی بردن به حکم واقعی یا موضوعات احکام به کار می‌رود» (محمدی، ۱۳۸۱: ۲۷۳). از نظر حقوقدانان انگلیسی نیز آن چیزی است که ایجاد اقناع برای قاضی محکمه می‌کند (Kean, 2000:1).

از لحاظ لغوی اماره به معنی نشانه و علامت است و از جهت حقوقی، هر چیزی که اولاً جنبه کاشفیت داشته باشد و ثانیاً کاشفیت مذکور قطعی نبوده، بلکه ظنی باشد و ثالثاً قانون‌گذار کاشفیت مزبور را مورد توجه قرار داده باشد (جعفری لنگرودی، پیشین: ۷۷). البته باید توجه داشت که احتساب برخی امارات به عنوان ظنون تا حدی قابل نقد می‌باشد. مثلاً چگونه می‌توان دی.ان.ای و اثر انگشت را به عنوان اماره موضوعی (ظن آور) احتساب کرد، ولی شهادت پیر مرد هفتاد ساله‌ای را که از ضعف قوای سمعی و بصری رنج می‌برد به عنوان دلیل، قطعی فرض کرد؟ در حقوق انگلیس با چنین صراحتی در مورد امارات و ظنون صحبت نشده و هرکدام از این روش‌های اثبات، ابتدا در دادگاه مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند و در نهایت حکم صادر می‌شود. پس چه بسا از نظر قاضی انگلیسی، «دلیلی» کم ارزش و در مقابل «اماره‌ای» دارای ارزش و اعتبار بالا باشد. بخصوص در امارات علمی تحقق این امر گریز ناپذیر می‌باشد.^۲

۱. این امر (اثبات عدم) در حقوق انگلیس با عنوان «Alibi Evidence» شناخته می‌شود.

۲. آنچه که از مفهوم اماره و دلیل بیان می‌شود، مفهومی است که تا حدی نیز برگرفته از مواد قانونی است؛ از جمله ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی: «اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود». هرچند این ماده کامل نیست و به جای تعریف اماره صرفاً مصادیق آن را که اماره حکمی و قضایی است، بیان می‌کند. ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز در تعریف دلیل ذکر کرده: «دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌نمایند».

وجه تمایز سنتی و فقهی بین دلیل و اماره در این است که در اصول فقه، دلیل چیزی است که امور مجهول را واضح و روشن می‌کند و برای کشف واقع و پی بردن به حکم واقعی یا موضوعات احکام به کار می‌رود (محمدی، پیشین: ۲۷۳). در حالی که اماره این‌گونه نیست. در بحث راجع به اقناع باید توجه داشت که دلیل برای قاضی اقناع آور است و به غیر از قاضی و هیات منصفه، نیازی نیست که مثلاً برای ضابط دادگستری اقناع ایجاد کند (Best, 1887: 208).

اماره در حقوق انگلیس آن چیزی است که برای قاضی ایجاد ظن می‌کند و در زیر مجموعه‌ی ادله‌ی غیر مستقیم (Indirect Evidence) قرار می‌گیرد. در واقع، موضوعاتی که در حقوق انگلیس در زیر مجموعه اقرار و شهادت با ویژگی‌های خاص خود قرار نمی‌گیرند، می‌توانند اماره باشند، مثل امارات مرتبط با کارشناسی، دروغ‌گویی متهم، سکوت، فرار و ...^۱

۲. سیستم‌های اثبات

بررسی دلایل در هر کشوری با توجه به نوع سیستم حاکم بر آن صورت می‌گیرد. این سیستم‌ها می‌توانند اختیارات و نفوذ زیاد قاضی، قانون یا هر دو را در تصمیم‌گیری‌های قضایی نشان دهد. سه سیستم اثبات دعوا وجود دارد. در یک سیستم نظام دلایل قانونی مطرح است. در این روش قاضی هیچ‌گونه اختیاری ندارد، مگر این که قانون اختیاری به وی داده باشد. در کنار این سیستم، سیستم دلایل معنوی قرار دارد که بر مبنای آن قاضی می‌تواند با اعتقاد و یقین درونی خود حکم صادر کند، هر چند قانون نظر دیگری داشته باشد. سیستم سوم، سیستم مختلط است که قاضی می‌تواند هم به قناعت وجدانی و هم به دلایل قانونی توجه کند. نظام حقوقی ایران، سیستم مختلط می‌باشد. از یک طرف دلایلی که دو طرف از پیش برای اثبات حق خود فراهم آورده‌اند در صورتی که انتساب آن به دو طرف محرز شود، تا زمانی که دلایل قابل قبولی در برابر آن ارایه نگردد، معتبر است (دلایل قانونی). از طرف دیگر شهادت و اماره‌های قضایی در شمار دلایل اقناعی است و اعتبار آن وابسته به میزان اثری است که در اقناع دادرسی ایجاد می‌کند (دلایل معنوی) (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۷).

از مواردی که در حقوق ایران سیستم دلایل معنوی پذیرفته شده، ماده ۱۹۴ ق.آ.د.ک می‌باشد. به موجب این ماده اگر متهمی اقرار به قتل نماید، صرف اقرار نمی‌تواند موجب صدور حکم قصاص باشد، بلکه می‌بایست علاوه بر اقرار که یک دلیل قانونی است، قاضی نیز به اقناع وجدانی برسد.

۱. مواردی مثل دروغ‌گویی؛ از بین بردن و جعل مدارک و فرار متهم که در حقوق انگلیس به دکترین تخریب (Spoliation Doctrine) معروف هستند، می‌توانند به عنوان اماره علیه متهم به کار روند.

صدور حکم بر مبنای اقرار از جهت تاریخی در انگلستان مورد توجه بوده، همچنانکه با توجه به ویژگی پایان دهنده به دعوا می‌توانسته مورد استفاده قرار گیرد (آشوری، ۱۳۷۸: ۳۰). در حقوق انگلیس وقتی دادستان به اقرار به عنوان دلیل استناد می‌کند، این اقرار بنا به دلایل مختلف ممکن است غیر قانونی باشد. از جمله ممکن است همان‌گونه که ماده ۷۶ تبصره ۲ بند a از قانون پلیس و ادله جزایی ۱۹۸۴^۱ عنوان می‌دارد، به زور گرفته شده باشد. این اقرار نمی‌تواند مستند حکم باشد، مگر این که دادستان بتواند فراتر از شک معقول ثابت کند که اقرار تحت فشار و زور اخذ نشده است. پس این که گفته می‌شود در حقوق انگلیس صرف اقرار اگر دلیل دیگری نباشد، می‌تواند موجب صدور حکم محکومیت شود (دلایل قانونی R v. Sykes 1913) با ماده ۷۶ قانون پلیس و ادله جزایی تخصیص خورده است (دلایل معنوی).

۳. ارزش و بار اثبات

منظور از بار اثبات^۲، وظیفه‌ای است که بر دوش دادستان قرار دارد و وی را ملزم به اثبات اتهام وارده بر فرد می‌کند. البته ضابطه و معیاری برای اثبات وجود دارد که می‌بایست رعایت شود. ضابطه در حقوق کیفری انگلیس معیار «فراتر از شک معقول» (Beyond Reasonable Doubt) می‌باشد؛ یعنی دادستان می‌بایست فراتر از شک معقول، مجرم بودن فرد را ثابت کند و به طور متقابل، قاضی و هیأت منصفه نیز اطمینان و اقناع حاصل کنند که متهم مورد نظر، مرتکب جرم شده است (Hungerford 2004: 420). مثلاً یافت شدن اموال مسروقه نزد متهم در نزدیکی محل سرقت (البته با فاصله زمانی کم از زمان سرقت که احتمال مال خری را به جای سرقت نیز منتفی می‌کند)، شک معقولی ایجاد می‌کند که وی سارق وسایلی است که در دست دارد (Presumption of Recent Possession).

در کنار بار اثبات، ارزش اثبات قرار دارد که با چند مفهوم از جمله یقین، شک و ظن، تبیین می‌شود. اینکه قاضی با کدام یک از این مفاهیم مجاز به صدور حکم می‌باشد در بحث «ارزش اثبات» بررسی می‌شود که عمدتاً در پرونده‌ها قابل ذکر است. در پرونده‌ای (R v. Summers 1952)، رسیدن هیأت منصفه به «اطمینان» (Sure) ملاک صدور حکم قرار گرفت. در پرونده‌ای دیگر (R v. Stephen 2002)، توضیح داده شد که درجه «اطمینان» از درجه «یقین» (Certain) متمایز است و نیازی به حصول «یقین» نیست؛ زیرا دستیابی به «یقین» کاری مشکل است و صرف رسیدن به «اطمینان» کفایت می‌کند.

1- Police and Criminal Evidence Act [1984] Revised Code of practice A- F.

۲. معادل بار اثبات در حقوق انگلیس «Burden of Proof» یا «Standard of Proof» می‌باشد که از مفهوم ارزش اثبات متمایز است.

بخش دوم. ادله وقایع مشابه و ادله پیش زمینه

این دو مفهوم و بسیاری از مفاهیم دیگر در انگلیس در رویه فهمیده می‌شوند و به همین جهت در هر قسمت رویه قضایی و بعد شرح آن ذکر می‌شود. در حقوق ایران نیز به جهت جدید بودن این دو عنوان، در مواد قانونی و رویه قضایی به شکل خاص به آن‌ها اشاره نشده، ولی آراء مختلف وجود دارند که به طور غیرمستقیم و در ذیل امارات قضایی به آن‌ها اشاره کرده‌اند.

۱. ادله وقایع مشابه (Similar Fact Evidence)

شناخت این نوع از اماره عمدتاً توسط عرف و رفتارهایی است که قبل و بعد از عمل اصلی صورت می‌گیرد. شاید در تعریف ادله وقایع مشابه بتوان گفت، چنین دلیلی مرتبط با رفتارهایی می‌باشد که در اطراف عمل اصلی وجود دارند و صحت یا سقم عمل انتسابی و اتهامی را مشخص می‌کند. در پرونده‌ای در انگلیس چند نفر متهم به انجام حک در کامپیوتر شدند. پس از تحقیقات گسترده این افراد به جرم فوق محکوم شدند. دلایل و قراینی که برای اثبات جرم مزبور به کار گرفته شده، همان ادله وقایع مشابه بود که البته در این پرونده، به طور گروهی منتسب به همه بود. یعنی در این پرونده عاداتی مطرح شد که این عادات فقط متعلق به همین گروه بود. از جمله این عادات نحوه و شیوه حک کردن بود که به سایر گروه‌های مجرمین تعلق نداشت و باعث تمیز آن‌ها از دیگران شد. این روش‌های حک متفاوت، می‌تواند وارد شدن از طریق شکستن قفل شناسه شخصی یا ارسال نامه‌های الکترونیک باشد که در گروه‌های مجرم دیگر، از سایر طرق استفاده می‌شده است.^۱

راننده‌ای که یک زن موتور سوار را در بزرگراه می‌کشد دو حالت دارد: یا عمداً این کار را انجام داده یا اینکه صرفاً یک تصادف غیرعمدی بوده. فرض اول زمانی قوی‌تر می‌شود که همین فرد روز قبل از حادثه، دو زن دیگر را نیز که موتور سوار بوده‌اند، به زمین افکنده و سپس مورد ضرب و جرح قرار داده باشد و زن دیگری را نیز ساعتی بعد از آن از موتورسوار به زمین انداخته و کیف دستیش را ربوده باشد (R v. Mortimer 1936).

۱-۱. رویه دادگاهها

رویه ایران و انگلیس با وجود شباهت‌هایی که در این زمینه دارند، ولی به جهت کامل بودن سیستم انگلیسی در رویه و پیش بینی بسیاری از مصادیق، با ایران تفاوت دارد. پس

1- Case Comment; Similar Fact Evidence - Two Incidents of Burglary - Judge Ruling Evidence As To Count 1 Admissible on Similar Fact Basis As Evidence on Count 2, Criminal Law Review, 1996, Nov, pp. 827-828.

طبیعی است که بسیاری از آراء آنها می‌تواند برای حقوق ایران الهام بخش بوده و در پرونده‌هایی که در آینده‌ای نزدیک ما نیز مبتلا به آن خواهیم بود، مورد استفاده قرار گیرد.

در رای اصداری مورخ ۱۳۴۳/۷/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، راجع به قراین مشابه برای اثبات قتل عمد آمده: «... خامساً و بالاخره با توجه به سایر قراین و امارات قویه و اوضاع و احوال موجود در پرونده، خاصه سوابق ممتد متهم در ارتکاب انواع جرایم و ملاحظه یادداشت‌های روزانه و مکتوب مکشوفه از منزل مسکونی متهم که شمه‌ای از آنها در مقدمه کیفرخواست درج گردیده است و نیز تیرگی اخیر رابطه مقتول و متهم به علل موصوف با سبق تصمیم و مقدماتی که قبلاً فراهم دیده است، مهدی نظری را به منزل خود در قلهک دعوت کرده، بدو او را به وسیله داروها بیهوش و سپس دست‌های او را از پشت بسته و او را به قتل رسانیده و در زیر زمین منزل استیجاری خود در قلهک دفن کرده است. از این جهت نیز بزهدکاری سید مهدی متهم، مسلم و محرز است» (آرشیو حقوقی کیهان، ۱۳۴۴: ۱۲).

آنچه در رای فوق تحت عنوان ادله‌ی وقایع مشابه قابل طرح می‌باشد، اموری مثل سوابق ممتد متهم در ارتکاب انواع جرایم، ملاحظه‌ی یادداشت‌های روزانه و مکتوب مکشوفه از منزل مسکونی متهم که به نظر یادداشت‌هایی در مورد روابط تیره‌ی وی و مقتول است که همگی بیان کننده‌ی احتمال بالای وقوع قتل توسط متهم مورد نظر می‌باشد. منظور از سوابق ممتد متهم در ارتکاب جرایم دیگر، همان جرایم مشابهی است که احتمال انتساب جرایم فعلی را نیز به متهم افزایش می‌دهد.

در یک پرونده انگلیسی، فرد ب محکوم به سه فقره جرم قتل عمد، آدم ربایی و جلوگیری از دفن قانونی اجساد شد. برای اثبات این جرایم که نسبت به چهار دختر جوان صورت گرفته بود، ادله‌ی وقایع مشابه مورد استناد قرار گرفت. در واقع دادگاه جزا در حمله‌های صورت گرفته نسبت به بزه دیدگان، شباهت‌هایی را ملاحظه کرد. اولاً همه‌ی این دختران نابالغ بودند. ثانیاً همه‌ی آنها از یک مکان عمومی ربوده شده و کفش‌های همه‌ی بزه دیدگان به غیر از یک مورد از پای آنها خارج شده و در ضمن آزار جنسی دیده بودند. این موارد به عنوان وقایع مشابه که نشان از وجود عاداتی خاص در مجرم می‌باشد، وقوع آنها توسط یک نفر با این تفکر واحد را توصیه می‌کند. در مقابل وکیل مدافع ب عنوان داشت که نشانه‌هایی از عدم شباهت بین این جرایم وجود دارد که نشان از وقوع آنها توسط چند نفر می‌باشد نه یک نفر. از جمله‌ی آنها، عدم شباهت در نوع ربودن می‌باشد که یکی با خشونت ربوده شده

و دیگر بدون خشونت و از طرفی دیگر، نوع قتل نیز متفاوت است؛ زیرا یکی خفه شده و دیگران به طرق دیگر به قتل رسیده‌اند.^۱

رابطه‌ای خاص نیز بین سابقه‌دار بودن و ادله‌ی وقایع مشابه، در افرادی که مجازات خود را تحمل کرده‌اند و مجدداً مرتکب تکرار جرم می‌شوند، وجود دارد. می‌توان ادله‌ی وقایع مشابه را در قتل‌ها، سرقت‌ها، جعل و... که مجرم با وجود انجام آن جرم در گذشته در زمان حاضر نیز بعد از مضمی مجازاتش با همان عادت و روش پیشین به ارتکاب آن دست می‌زند، دید. چنین افرادی با تکرار عاداتشان به تهیه اماراتی علیه خودشان دست می‌زنند. پس اگر فردی در جرایم علیه امنیت از بمبی خاص با یک بُرد و قدرت تقریبی متمایز (و در بمب‌های ساعتی، بمبی با سیستم الکترونیک ویژه) استفاده کند، در صورت تکرار جرم (بعد از اینکه مجازات بمب گذاری اول را طی کرد) و انجام چنین بمب گذاری مشابه، واقعه مشابه می‌تواند به عنوان اماره‌ای قوی علیه او به کار رود.

بررسی اینکه ادله‌ی وقایع مشابه در ایران و انگلیس دارای چه اعتباری هستند و اینکه تا چه میزان می‌توانند به اثبات یا عدم اثبات جرم بپردازند، موضوعی است که مرتبط با ارزش اثبات می‌باشد که در قسمت بعد به آن پرداخته می‌شود.

۲-۱. ارزش اثباتی ادله‌ی وقایع مشابه

همان‌گونه که قبلاً نیز در بحث ارزش اثبات گفته شد، در این بحث با چند عنوان شک، اطمینان و یقین روبرو هستیم. اینکه قاضی با کدام یک از این مفاهیم، مجاز به صدور حکم می‌باشد، در بحث «ارزش اثبات» بررسی می‌شود. اصولاً رسیدن به محکومیت یا برائت توسط اماره، نیاز به بررسی دقیق‌تر توسط هیأت منصفه یا قضات دارد، ولی به هر حال در هر دو روش اثبات، یعنی ادله و امارات، حصول اطمینان لازم است. به عبارت دیگر در صدور احکام احتیاج به حصول علم و اطمینان می‌باشد؛ یعنی در تمام ادله (اقرا و شهادت) و امارات، رسیدن به علم مد نظر می‌باشد. پس هر اماره‌ای و هر دلیلی مورد پذیرش نیست و دلایل و اماراتی مورد پذیرش می‌باشند که علم و اطمینان برای قاضی ایجاد کنند. با این توضیح چه رابطه‌ای بین علم قاضی به عنوان دلیل مستقل و علمی که از طریق ادله و امارات حاصل می‌شود، وجود دارد؟ در واقع، سوال این است که آیا می‌توان به علم قاضی به عنوان دلیل مستقل استناد جست یا اینکه علم قاضی در بطن سایر ادله و قراین و جزئی از آنهاست؟ به شکل خاص این سوال در مورد ادله‌ی وقایع مشابه قابل طرح می‌باشد. یعنی چه فرقی بین

1- Case Comment, **Evidence, Similar Fact Evidence – Admissibility**, Criminal Law Review, 1995, Aug, pp. 640-641.

علم حاصل در این اماره و علم مطرح در «علم قاضی» به شکل دلیل مستقل وجود دارد؟ از طرف دیگر به جهت مرتبط بودن اماره موضوعی (که از جمله امارات موضوعی ادله‌ی وقایع مشابه هستند) با استنباطی که قاضی با توجه به علم خود از پرونده می‌نماید، ضروری است، ارتباط این دو عنوان شود.

علم در لغت به معنای دانش و دانستن آمده و از لحاظ فقهی نیز مترادف اطمینان قرار می‌گیرد که به آن علم عادی نیز می‌گویند (جعفری لنگرودی، پیشین: ۴۶۸). اصولاً سه نوع علم وجود دارد. اول علمی که برای تصدی شغل قضاوت، فرد نیازمند آن است؛ مثل آگاهی از علم حقوق، روانشناسی، فقه و... دوم علمی که مرتبط با دلایل خارج از پرونده می‌باشد، مثل نزاعی که قاضی مانند سایر افراد جامعه نظاره‌گر آن است. آخرین نوع علم نیز علمی است که ناشی از بررسی پرونده است. یعنی قاضی با خواندن پرونده و تحقیق از اصحاب دعوی، به واقعیت‌های پرونده پی می‌برد؛ مثلاً با دعوت شهود یا با اقرار متهم به نتایجی می‌رسد. صدور حکم بر مبنای علم دوم قاضی را در مظان اتهام قرار می‌دهد (حسینی نژاد، ۱۳۸۱: ۱۲-۱۱)؛ زیرا احکام دادگاه باید مستند باشد. اما علم ناشی از حالت سوم می‌تواند مبنای صدور حکم قرار بگیرد؛ یعنی فرضاً اگر بر مبنای اماره، به موضوعی علم پیدا کرد، می‌تواند مبنای صدور حکم باشد و به این شکل اماره و علم با یکدیگر مرتبط می‌شوند. البته باید گفت که برخی عنوان نموده‌اند که بین فقها نیز در این امر اختلاف وجود دارد به طوری که در میان آن‌ها راجع به تفسیر علم و عمل به آن حداقل دو دیدگاه مختلف مطرح است (محمودی جانکی، ۱۳۷۶: ۹۱).

قاضی لرد دنینگ (Lord Denning) راجع به ارزش اثباتی ادله وقایع مشابه عنوان می‌دارد که در این ادله، اصل بر عدم پذیرش می‌باشد مگر اینکه ارزش اثباتی آن، آنقدر قوی باشد که به کارگیری آن به نفع عدالت باشد. گروهی دیگر در مجلس اعیان انگلیس عقیده دارند که ادله‌ی وقایع مشابه برای درک عمدی یا غیرعمدی بودن واقعه، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (Ho, 2006: 132). یعنی بررسی ارزش اثباتی ادله وقایع مشابه، صرفاً در جهت اثبات تحقق یک واقعه نیست، بلکه از این جهت است که آیا واقعه همراه با عمد بوده یا نه. فرضاً در پرونده‌های جنسی مطرح می‌شود که آیا در رابطه جنسی رضایت وجود داشته یا نه. عدم وجود رضایت گاه با ادله وقایع مشابه معلوم می‌شود. در پرونده‌ای که شاکی (همسر فعلی فرد) مدعی عدم وجود رضایت است و همسر سابق متهم شهادت می‌دهد که گاهاً متهم بدون توجه به رضایت وی با وارد کردن ضربات دردناک، رابطه جنسی برقرار می‌کرده، احتمال درستی گفته‌های شاکی وجود دارد (Redmayne, 2002: 244). در هر پرونده عوامل مختلف دخیل هستند. ارزش هر دلیل وابسته به تعداد دلایل و امارات، نوع آن‌ها از جهت علمی و عرفی و اعتبار ارایه کنندگان آن‌ها می‌باشد. مثلاً در پرونده‌ای که دلایل و وقایع مشابه وجود

دارد و در عین حال ادله علمی مؤید این وقایع مشابه است؛ احتمال محکوم کردن متهم از سایر پرونده‌ها بیشتر است. مضاف بر اینکه اگر فردی دارای سابقه باشد و در عین حال جرم فعلی وی قبلاً نیز تکرار شده، احتمال عمدی بودن عمل اخیر وی (در صورت شک در عمدی یا غیرعمدی بودن) بیشتر است. پس هم در ایران و هم در انگلیس، فاکتورها و شاخص‌های متعددی وجود دارند که به لحاظ کمی و کیفی می‌توانند بر نوع تصمیم‌گیری قاضی، تأثیر بگذارند.

کمیسیون بررسی ادله‌ی مشابه (Commission's Review of Similar Fact Evidence)، بیان داشته که افراد سابقه‌دار معمولاً راحت‌تر محکوم می‌شوند و در نظر قضات و هیأت منصفه این ذهنیت وجود دارد که فردی که برای بار اول مرتکب جرم شده، احتمال تکرار جرم توسط او بیشتر است و این یک پیش داوری نادرست می‌باشد. این کمیسیون استدلال کرد که هرچند اشتباهات هیأت منصفه در استفاده‌ی از ادله‌ی وقایع مشابه ممکن است از طریق دستگاه قضایی جبران شود، ولی این دلیلی قانع‌کننده در استفاده غیرموجه از این اماره نیست. از طرفی معمولاً هیأت منصفه از این اماره برای اثبات وجود عنصر معنوی متهم استفاده می‌کند؛ از جمله از طریق جرایم مشابه قبلی متهم، به عمدی بودن عمل پی می‌برد، در حالی که اثبات عنصر معنوی می‌تواند از طرق دیگری نیز صورت گیرد. به نظر کمیسیون، این اشتباه زمانی گسترده‌تر می‌شود که هیأت منصفه از این اماره برای اثبات «تمایل Propensity» متهم به ارتکاب جرم استفاده می‌کند.^۱ فرض کنید فردی قبلاً به طور غیر قانونی وارد منزل همسر سابق خود که هنوز به او وابستگی عاطفی دارد، می‌شود و به علت ارتکاب این جرم محکوم و مجازات می‌شود. در صورتی که مجدداً بعد از سپری کردن مجازات به او اتهام ورود غیر قانونی به منزل همسرش که اکنون فوت نموده بزنند. از آنجا که در زمان حاضر که همسر سابق او در قید حیات نیست، چنین وابستگی عاطفی نیز وجود ندارد، احتمال اثبات چنین جرمی با مستند کردن یک واقعه‌ی مشابه کم است (Winter, op cit:33-34).

در حقوق ایران هرچند، ارزش ادله‌ی وقایع مشابه به طور جداگانه نه در قانون و نه دکتترین حقوقی بحث نشده، ولی می‌توان همان قواعد کلی که بر امارات حاکم می‌باشد در اینجا نیز مطرح کرد.

۱. در حقوق انگلیس تمایل یا «Propensity» یکی از اشکال انگیزه می‌باشد. در واقع اگر فرد بنا به انگیزه‌های عاطفی و احساسی مرتکب جرم شود به آن «Propensity» گفته می‌شود.

۲. ادله پیش زمینه (Background Evidence)

هرچند شباهت‌هایی با ادله وقایع مشابه دارند، ولی از جهات زیادی با آن‌ها متفاوت بوده و دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشند. اولاً فقط مرتبط با گذشته هستند، یعنی به زمان قبل از وقوع جرم باز می‌گردند و نه بعد از آن، در حالی که در ادله وقایع مشابه، گاه ممکن بود به سبب رفتارهایی که مجرم بعد از وقوع جرم از خود بروز داده، وی مجرم فرض شود. ثانیاً لزومی ندارد که حتماً وقایع ارتكابی سابق، شبیه به جرمی باشد که اتفاق افتاده است.

۲-۱. رویه قضایی

در این قسمت پرونده‌های متعدد وجود دارند که بیانگر ادله‌ی پیش زمینه هستند. سعی شده تا از میان آراء و دعاوی متعدد، صرفاً به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شود و در جای خود توضیحات و شرح آراء لازم که در حقوق انگلیس ذکر شده، عنوان شود.

در پرونده‌ای فرد الف متهم به سرقت از گاوصندوق فرد ب شد. ادله مطرح علیه فرد الف، همان ادله پیش زمینه بودند. به این معنی که ثابت شد قبل از سرقت گاوصندوق، الف دفترچه یادداشت ب را برداشته و در آن دفترچه، رمز گاوصندوق مرقوم بوده است. در پرونده‌ی (R v. Ball 1911) دیگری لرد آتکینسون (Lord Atkinson) اظهار داشت که اگر فرد متهم به قتل، سابقاً با مقتول دشمنی و خصومت داشته، این دشمنی دلیلی است که می‌تواند برای اثبات انگیزه‌ی قتل مورد قبول واقع شود. در پرونده‌ی مذکور، اظهار نظر لرد آتکینسون در دعاوی دیگری نیز تأیید شد (R v. Williams 1985). در این دعوا عنوان شد که اگر سابقاً فرد الف، فرد ب را تهدید به قتل کرده باشد؛ قرینه‌ای بر این است که ادعای ب مبنی ضرب و جرح از ناحیه الف، صحیح می‌باشد (Emson, op cit: 68).

در برخی دعاوی، ارزش اثباتی ادله‌ی پیش زمینه بررسی شده و آن را یک دلیل قابل قبول عنوان نموده‌اند. البته ارزش چنین نظری به دلیل صادر شدن از مرجع تجدید نظر، خاص بوده و کمتر تردید ایجاد می‌کند. ارزشمند بودن این ادله به جهت به وجود آوردن تصویر کلی از سابقه متهم می‌باشد که در دعاوی متعدد این سابقه به تصمیم‌گیری هیأت منصفه کمک نموده است. چنین سابقه‌ای در دعوایی مطرح شد که در آن اتهام قتل علیه فرد، از طریق شکایت قبلی مقتول مبنی بر تهدید به استفاده از خشونت توسط قاتل، مورد بررسی قرار گرفت. البته به مانند ادله‌ی پیش زمینه، ایراداتی وجود دارد. از جمله ایرادات، این است که همواره نمی‌توان ادله پیش زمینه را قرینه‌ای به تحقق جرم توسط متهم دانست و در بسیاری از موارد با قبول این امر ممکن است به بیراهه رفته باشیم. همچنانکه در پرونده‌ای پذیرش این نوع از قراین مشروط به این شد که باعث خدشه به انصاف و عدالت نشوند.

در پرونده‌ای در حقوق ایران، راجع به ادله‌ی پیش زمینه این‌گونه آمده: «... آقای ... به اتهام قتل عمدی همسرش ط، تحت تعقیب قرار گرفته و پرونده نهایتاً در شعبه دوم دادگاه عمومی شیروان تحت رسیدگی قرار گرفته و دادگاه پس از رسیدگی به موجب دادنامه شماره ۷۴/۴/۱۵۹۶ با توجه به نظریه‌ی پزشکی قانونی شیروان، که جسد را مورد معاینه قرار داده و نظریه پزشکی هیچ‌گونه آثار ضرب و جرح و کبودی آثار طناب و غیره در جهت خفه کردن مرحومه را ملاحظه نکرده و هیچ‌کس حتی پدر و مادر آن مرحومه وجود اختلاف فیما بین زن و شوهر را مورد تأیید قرار نداده‌اند، بلکه اظهار داشته‌اند که با یکدیگر خوب بوده‌اند و بنا به اظهارات گواهان و شوهر خانم ط، زنده بوده که او را سوار ماشین کرده‌اند و حتی تا نزدیکی‌های شهر نیز زنده بوده و نفس می‌کشیده و آن‌ها نیز در اظهارات خود اعلام کرده‌اند که هیچ‌گونه آثار ضرب و جرح و آثار طنابی بر بدن و سر و صورت و گردن بانو ط، مشاهده نکرده‌اند ... و به طور خلاصه طبق مجموع محتویات پرونده مورد از موارد لوث و قسامه نیز نمی‌باشد؛ زیرا هیچ‌گونه اماره یا قراینی که ظن آور باشد برای دادگاه محرز نگردیده است ...» (صمدی اهری، ۱۳۷۵: ۱۴۰).

در پرونده‌ی مزبور نبودن اختلاف بین زن و شوهر از ادله‌ی پیش زمینه به حساب آمده و همین ادله باعث شده تا جرم ثابت نشود. همان‌گونه که بعداً نیز خواهد آمد گاهی دلایل و امارات دارای اثر ایجابی هستند؛ یعنی همان‌گونه که در این پرونده مطرح است، منجر به صدور حکم برائت می‌شوند نه محکومیت.

۲-۲. ارزش اثباتی ادله‌ی پیش زمینه

منظور از ارزش اثباتی یعنی میزان تأثیری است که این نوع از امارات می‌توانند بر قاضی یا هیأت منصفه در نوع تصمیم‌گیری‌شان اعم از محکومیت یا برائت داشته باشند. این نوع از امارات نسبی بوده و بیان یک حکم کلی در مورد آن‌ها تا حدی مشکل می‌باشد. یعنی با توجه به هر موضوع و با توجه به نوع این اماره، می‌بایست تصمیم خاص مرتبط با آن اتخاذ شود. در برخی موارد یک اماره پیش زمینه به تنهایی می‌تواند منجر به رای شود و گاه وجود چند اماره‌ی پیش زمینه یا همراه شدن یک اماره‌ی پیش زمینه با یک دلیل، می‌تواند منجر به صدور حکم شود. در غیر این صورت، قاضی ممکن است همچنان پرونده را مفتوح گذاشته و به تحقیقات ادامه دهد. از جمله در پرونده‌ای در انگلیس وجود یک اماره پیش زمینه به همراه چند قرینه‌ی دیگر منجر به صدور حکم گردید. در این پرونده (R v. O'Leary 1946) اماره‌ای تحت عنوان (سوء رفتار فرعی Extraneous Misconduct) مطرح گردید که از انواع اماره‌ی پیش زمینه می‌باشد. در این پرونده، مقتولی نزدیک یک کارخانه چوب‌بری یافت شد که از ناحیه

سر و صورت با بطری، به خشونت مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود. زمان یافت شدن جسد صبح یکشنبه بود، در حالی که روز قبل از آن بین کارگران کارخانه که از جمله آنها آقای Oel بود، درگیری صورت گرفته بود. البته علت این درگیری در گزارشات، مستی کارگران اعلام شده بود که نهایتاً منجر به فوت یک نفر شده بود. فردی که متهم به قتل بود، آقای Oel بود. امارات موجود علیه وی متعدد بودند که از جمله آنها اماره «سوء رفتار فرعی» بود. منظور از سوء رفتار فرعی، این است که برخی اعمال مجرمانه، توسط معدودی از افراد که دارای روحیه خشن می‌باشند، رخ می‌دهد که از جمله مثله کردن یا وارد آوردن ضربات خطرناک می‌باشد. از نظر علم روانشناسی این افراد خاص بوده و احتمال تکرار رفتار خشن توسط آنها در زمان‌های مختلف وجود دارد. در پرونده مزبور طبق گزارش کارشناس روانشناسی، آقای Oel در این دسته افراد قرار داشت. یعنی رفتارهای خشونت آمیز وی پیش زمینه‌ای بودند که نشان می‌دادند، جرم حاضر را نیز او انجام داده است؛ مضافاً بر اینکه سایر قرائن نیز ارتکاب قتل از ناحیه وی را تأیید می‌کرد. از جمله اینکه قبل از قتل، در دست وی یک بطری دیده شده بود و متعاقباً مقتول با ضربات بطری از بین رفته بود. از طرف دیگر لباس Oel در نزدیکی مقتول یافت شد. از جمله نکات مطرح در این پرونده، ذکر این مطلب می‌باشد که هرچند تعدادی دیگر از کارگران نیز دارای سوء رفتار فرعی بودند، ولی به جهت جمع بودن برخی قرائن دیگر علیه Oel (یافت شدن لباس وی در صحنه جنایت و تعلق بطری به متهم) مجرم بودن وی قطعی شد. در واقع با جمع شدن چند اماره بود که محکومیت وی قطعی شد.

در حقوق هر دو کشور ارزش این اماره، یک ارزش نسبی بوده که با توجه به وضعیت‌های مختلف، متفاوت است. برای مثال در حقوق ایران در پرونده‌ای که پیشتر در رویه‌ها ذکر شد^۱ ارزش اماره‌ی پیش زمینه، نبودن اختلاف بین زن و شوهر به همراه سایر قرائن منجر به حکم براءت گشت. در مقابل، ممکن است پرونده‌هایی مطرح باشند که در آنها یک اماره‌ی پیش زمینه، به تنهایی منجر به حکم براءت یا محکومیت شود و نیازی به وجود سایر قرائن نباشد؛ هرچند چنین مواردی نادر است.

نتیجه‌گیری

حفظ حقوق متهمین ایجاب می‌کند که ارزش هر یک از شیوه‌های اثبات اعم از اماره و دلیل مشخص باشد و قضات کمتر اعمال نظر شخصی و یا استنباط غیر موجه از قوانین

۱. ر.ک به: عنوان الف «بررسی پرونده‌ها» پرونده مذکور در کتاب صمدی اهری، پیشین.

بنمایند. با وجود این پیش‌بینی همه مصادیق امارات و تعیین بار ارزشی هرکدام نیز مشکل بوده و از طرفی بسیاری از مسایل در عمل و در صحنه دعاوی آشکار می‌شوند. پس داشتن یک قانون نسبتاً کامل و واگذاری برخی مصادیق استثنایی که از پیش‌بینی مقنن خارج بوده به قضات، امری منطقی و حل‌کننده‌ی مشکل اعمال نفوذ قضات است. حقوق انگلیس با سپردن موضوع به رویه، تا حد زیاد در امر سنجش ادله موفق بوده و بر بسیاری از معضلات حقوقی از طریق رویه قضایی فایز آمده، که حقوق ما نیز می‌تواند از تجربیات آن‌ها در رسیدگی به امارات و ادله بهره‌مند شود. ادله وقایع مشابه و ادله پیش‌زمینه که ویژگی بارز آن‌ها نه تنها در اثبات بلکه در کشف جرایم، بخصوص جرایم بانندی و یا سرقت مسلحانه که تشابهاتی دارند، می‌باشد، به عنوان اماره در حقوق دو کشور مطرح هستند. این امارات بخصوص در بسیاری از قتل‌هایی که هیچ‌گونه دلیلی در آن‌ها وجود ندارد، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرند. ویژگی بارز آن‌ها نسبت است که در جرمی ممکن است با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر آن، به اثبات منتهی شوند و در جرمی دیگر، این امر حاصل نشود. ولی آنچه مهم است اقتناعی می‌باشد که برای قاضی بدست می‌آید.

منابع و مأخذ

الف - فارسی

۱. آشوری، محمد، (۱۳۷۸)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات سمت، تهران.
۲. آرشیو حقوقی کیهان، (۱۳۴۴)، مجموعه رویه قضایی صفحات ۱۲۶ تا ۱۴۵، آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۷)، ترمینولوژی حقوق، چاپ نهم، انتشارات گنج دانش، تهران.
۴. حسینی نژاد، حسینقلی، (۱۳۸۱)، ادله اثبات دعوی، چاپ اول، انتشارات دانش نگار، تهران.
۵. صمدی اهری، محمد هاشم، نظریات قضایی دادستانی کل کشور در اجرای مواد ۱۸ و ۳۱ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب آراء جزایی ۱۳۷۵، جلد اول، انتشارات گنج دانش.
۶. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۰)، اثبات و دلیل اثبات، جلد اول، چاپ اول، نشر میزان، تهران.
۷. محمدی، ابوالحسن، (۱۳۸۱)، مبانی استنباط حقوق اسلامی، چاپ پانزدهم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۸. محمودی جانکی، فیروز، (۱۳۷۶)، پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان *طریقیت یا موضوعیت ادله اثبات دعوی در حقوق کیفری ایران و مصر به راهنمایی محمد آشوری*، دانشگاه امام صادق.

ب - خارجی

- 1- Best, WM, (1887), **Principles of the Law of Evidence**, Fifth Edition, H Sweet, London.
- 2-(1996, Nov), **Case Comment; Similar Fact Evidence—Two Incidents of Burglary—Judge Ruling Evidence As To Count 1 Admissible on Similar Fact Basis As Evidence on Count 2**, Criminal Law Review.
- 3- (1995, Aug), **Case Comment, Evidence, Similar Fact Evidence—Admissibility**, Criminal Law Review.
- 4- Emson, Raymond, (2004), **Evidence**, Second Edition, Palgarve Publishing, London.

-
- 5-Hungerford, Peter, (2004), **Criminal Litigation and Sentencing**, Sixth Edition, Cavendish Publishing.
- 6-Ho, H.L., (2006, Spring), **Similar Facts in Civil Case**, 26 Oxford Journal of Legal Studies.
- 7-Kean, A., (2000), **The Modern Law of Evidence**, Fifth Edition, Butterworth, London.
- 8-Redmayne, Mike, (2002) **Case Note, Similar Facts, Familiar obfuscation: R v. Handy**, The International Journal of Evidence & Proof.
- 9-Winter, Jo, (2004), **The role of gender in judicial decision – making: Similar Fact Evidence, The Rose west Trial and beyond**, The International Journal of Evidence & Proof.
- 10-www.GHAVANIN.ir